

عنوان مقاله:

نظریه ارتباط مفهومی و مصداقی تمدن و فلسفه از فارابی و ابن خلدون تا سارتن و توین بی

محل انتشار:

ماهنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، دوره 2، شماره 11 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسنده:

محمد رضا شهیدی پاک - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

خلاصه مقاله:

از جمله نظریه پردازی های جهانی در زمینه ارتباط حکمت و فلسفه با تمدن و فرهنگ است. کندی، جاحظ، فارابی، ابن سینا، مسکویه، رازی، نصیرالدین طوسی، ابن عربی، ابن خلدون بنیان تمدن اسلامی و در بین متفکران غربی فروید، یانگ، کانت، هگل، گنون، گیون، گوستاولوبون، سارتن، توین بی و دورانت در مورد ارتباط تمدن و زمینه های فلسفی فرضیاتی ارائه داده اند. وجود این افراد دلیل ارتباط تمدن و فلسفه است. مبانی نظری و فلسفی تمدن در آثار فلاسفه مسلمان در عصر تمدن سازی با تعبیر مختلف آمده است که قابل تاویل به جمهوری و سیاست و فلسفه مدنی است. در بین آن ها فقط فارابی ماهیت نظری تمدن و نسبت و قابلیت تعریف آن با فلسفه را تبیین کرد و مصادیق آن را نقد کرد و در آثار دیگران استطرادی و با اشاره است. رازی گزارش کمی بلندی از مصداق تمدن اسلامی ارائه داد و ابن عربی ماهیت متافیزیکی تمدن بی مرز بشری که محل ظهور بی نهایت علم خدا است را نشان داد، اما این ابن خلدون است که با امداد ازواژه قرانی، علم عمران، علم تمدن را معرفی کرد و به ارتباط بین فلسفه و تمدن براساس حادثه تمدنی در حال وقوع اشاره کرده است و با مقایسه وضعیت فلسفه در اروپا و جهان اسلام بویژه در منطقه غرب جهان اسلام، آندلس، مغرب و افریقه با یکدیگر، می نویسد، جریان فلسفه در اروپا بیدار و رو به توسعه است اما در جهان اسلام در حال افول است. این دیدگاه را در چهار چوب گزارش از هم زمانی سقوط اندلس و انحطاط تمدن اسلامی و مقارن با تحولات فلسفی و کلامی ذکر کرده است. استقبال و یا مخالفت با فلسفه از پدیده های حاکم بر جهان قرون وسطی است، اما ابن خلدون، موارد استثنا در این مورد در نقاطی از جهان که تمدن در حال شکوفایی است و در عین حال استقبال از فلسفه روی داده آورده است واز جمله در مورد ایران، تصریح می کند به علت افرادی مانند نصیرالدین طوسی اندیشه فلسفی و کلامی هنوز زنده است. خواجه نصیرالدین طوسی که عامل توسعه تمدنی ایران عصر ایلخانی با تاسیس شهر آموزشی و پژوهشی مراغه است 1395 با تمدن سازی فیلسوف و ارائه الگوی برتر تمدنی رابطه تمدن و فلسفه را عملی ساخت. ابن خلدون با وجود رعایت انصاف در ذکر بسیاری از مصادیق تمدن اسلامی در عدم ذکر مواردی در مظان نقد است. تمدن در اروپا رنسانس و دوره مدرن بر مبنای تفکرات فلسفی دکارت و همراه با چالش های فلسفی و کلامی شکل گرفت و این فرضیه اثبات شد و تعاریف متعدد در حوزه علوم انسانی به تمدن و مفهوم آن دچار ابهامات تعاریف میان رشته ای شد، در این حوزه کار سارتن اهمیت اکادمیک دارد که نخستین طراحی از تاریخ علم بر مبنای زمین های فلسفی را نوشت و رابطه تمدن و فلسفه را در تاریخ علم جهانی نوشت، توین بی با وجود بررسی ابعاد تمدن از ماهیت پیدایش و توسعه و ظهور و سقوط و انتقال و ارتباط جهانی تمدن ها در رویکردی سیاسی به تمدن اروپایی - آمریکایی معاصر در رابطه قدرت و تمدن و نماد آن انرژی اتمی پرداخته است و راهی برای حفظ پیشرفت و ترقی فقط در حوزه تمدن غربی و عدم اشاعه آن به سایر ملل ارائه کرده است، این رویکرد مورخ شهیر تمدن، در دریافت مفه ...

کلمات کلیدی:

ابن خلدون، تمدن، فلسفه، اروپا، نصیرالدین طوسی، سارتن، توین بی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/948365>



